

به مناسبت ۷ آذر، روز نیروی دریایی

باسبک زندگی یک ناخدا آشناشوید

# فرمانروایان دریا

الیه توانا-۳۷ سال گذشت از روزی که ایران ناخواسته وارد جنگ شد، از آن سال‌های دشوار و کشتار، از آن رفتن‌های بی‌بازگشت و خداحافظی‌های همیشگی. آن هشت سال با همه تلخی‌اش، نقطه‌روشن پرنگی در تاریخ ماست که می‌توانیم سرمان را به‌خاطرش بالا بگیریم و تا همیشه قدردان مردان و زنان بزرگ سرزمین مان و آن دفاع جانانه مقدس شان باشیم. «عملیات مروارید» یکی از درخشان‌ترین اقدامات آن روزها بود. جنگ تازه شروع شده‌بود که مردان سفیدپوش نیروی دریایی کشورمان، توانستند طی این عملیات، نیروی دریایی عراق را تا پایان جنگ خانه‌نشین کنند و هفتم آذر ۱۳۵۹، به مناسبت این رشادت، روز «نیروی دریایی» ایران نام‌گذاری شد. ما هم امروز، به‌همین مناسبت پرونده ویژه‌ای را به نیروی دریایی اختصاص داده‌ایم. این پرونده، گفت‌وگوی مفصلی است با یک ناخدای باتجربه ارتش که به همه سوالات ما درباره شغل متفاوتش پاسخ داده‌است. اگر می‌خواهید درباره عملیات مروارید بیشتر بدانید و اگر کنجکاوید بدانید یک ناخدا دقیقا چه کار می‌کند و توی یک ناو دقیقا چه خبر است و زندگی دریایی چطور است، پرونده امروز را از دست ندهید.

## گفت‌وگو با ناخدا دوم «مجید رامشینی»

**مدیر نمایندگی نیروی دریایی راهبردی ارتش در**

**استان های خراسان رضوی و جنوبی**

با ناخدا رامشینی در دفتر کارش قرار دارم. برای ما که در شهرهای غیرساحلی زندگی می‌کنیم، دیدن یک ناخدا اتفاق نادر و بعیدی است. برای آن‌هایی هم که در شهرهای ساحلی زندگی می‌کنند، دیدن نه، ولی گفت‌وگو با یک ناخدا نباید اتفاقی معمولی باشد. برای همین حدس می‌زنم این گپ‌وگفت برای شما هم به اندازه من، هیجان‌انگیز باشد. ناخدا، با آن یونیفرم سفید اتوکشیده‌اش و جدیتی که از او و همکارانش توقع می‌رود، مصاحبه را شروع می‌کند.

#### ■ ناخدا کیست؟

تصویری که از ناخدا داریم، تصویری دقیق و کامل نیست. احتمالا خیلی‌هایمان با شنیدن این کلمه، یاد پیرمردی با موهای پریشان می‌افتیم که فریاد می‌زند 'بادبان‌ها را بکشید!' آقای رامشینی، دقیق توضیح می‌دهد که ناخدا کیست و چه کار می‌کند: «ناخدا یک درجه در نیروی دریایی است، مثل سرهنگ من ناخدا می‌مهندس هستم، چون در دانشگاه، در رشته مهندسی مکانیک و الکترومکانیک تحصیل کرده ام. دانشگاه «امام خمینی (ره)» نوشهر پنج دانشکده دارد؛ دانشکده فرماندهی و ناوبری کشتی، مهندسی مکانیک و الکترومکانیک، مهندسی برق و الکترونیک دریایی، کمیسر دریایی و تفنگ‌داری که هر کدام این‌ها وظیفه متفاوتی دارند. برای مثال کسی که ناخدای فرماندهی و ناوبری است، ناو را در دریا هدایت می‌کند، مثل راننده ماشین. او با پیش‌بینی مسیر، توفان، بررسی جهت باد، افق و مسائل جغرافیایی تصمیم می‌گیرد که امروز می‌شود دریا رفت یا نه. حالا برای این که بخواهد به دریا برود، نیاز به همکاری متخصص‌های دیگر دارد. ناخدای مهندس مکانیک باید به او بگوید که موتور برای حرکت آماده است یا نه. مهندس برق باید خیال او را از درست کار کردن ژنراتور برق و دیگر تجهیزات برقی راحت کند. ناخدای کمیسر هم کار پشتیبانی را برعهده دارد، یعنی باید بگوید که خواربار و جیره و سوخت فراهم است یا نه. تفنگدار خیلی توی ناو نیست و بیشتر کارش در یگان‌های ساحلی است. هرچند الان که ما به خلیج عدن اعزام می‌شویم، چون هر لحظه ممکن است با دزدان دریایی درگیر شویم، تکاوران زنده را همراه خود می‌بریم. تیم مهندسی هم بلد است با سلاح کار کند اما وظیفه‌اش این نیست»، با این اوصاف، کلی آدم توی یک ناو کار می‌کنند. «بله، البته بستگی به استعداد واحد دارد. یعنی مثلا یک ناوچه چند ده نفر را می‌برد، ناوشکن چندصد نفر و قایق کمتر. نمی‌شود آمار دقیقی داد. اما به‌طور کلی در یک ناو، فرمانده ناو، افسر موتور، افسر برق، ناخدای کمیسر، افسر توپخانه، افسر عملیات و افسر مهمات حضور دارند که هر کدام از این افراد، چند نفر تکسین دارند».

#### ■ زندگی دریایی

کمی از دریا فاصله بگیریم، زندگی با شما و همکارانتان باید سخت باشد. «زندگی دریایی، بسیار شیرین است اما خطرات خاص خودش را هم دارد. مادرایی‌ها می‌گویم رفتن مان به دریا با ناخداست و برگشتن مان با خدا. چون هر لحظه ممکن است غرق شویم، کشتی به گل بنشیند، به صخره برخورد کنیم و هزارتا اتفاق دیگر رخ بدهد. خانواده‌هایمان هم می‌دانند که وقتی می‌گویم سفری ۱۰ روزه در پیش داریم، ممکن است یک ماه دیگر برگردیم. ما سفرهای ۱۰۰ روزه هم داشته‌ایم». همسر فرزندانناتان نظرشان درباره این شغل مخاطره‌آمیز چیست؟ «همه ما روز اول که خواستگاری می‌رویم، شرایط و خطرات کارمان را به طرف مقابل می‌گوییم. اصلا یکی از نقاط قوت ما همین است که همسرانمان شرایط ما را درک می‌کنند و خاطرمาน ازبابت خانه و خانواده راحت است». و اگر در این مدت طولانی که روی دریا هستید، برای کسی مشکلی پیش بیاید، مثلا مریض شود، چه کار می‌کنید؟ «بعضی واحدها بالگردبر هستند که خب کار راحت است، فرد بیمار را با بالگرد به بیمارستان می‌رسانیم. واحدهای کوچک‌تر که چنین امکانی ندارند از طریق دستگاه مخابراتی‌شان با پایگاه تماس برقرار و درخواست کمک می‌کنندو آن‌ها هم برای‌شان بالگرد می‌فرستند».



#### ■ یک روز در دریا

حالا که ناخدا و نیروی دریایی را شناختیم، وقت اش است بدانیم توی ناو دقیقا چه خبر است. آقای رامشینی یک روز دریایی‌اش را برپایمان تعریف می‌کند: «از طرف مقام مافوق امریه‌ای صادر می‌شود که به ما می‌گوید باید برویم دریا. امریه چند روز قبل از حرکت، صادر می‌شود. بعد از این دستور اولین کاری که می‌کنیم، تشکیل جلسه با سرپرستان، یعنی همان افسر برق و موتور، کمیسر و بقیه است. در این جلسه، شرح وظایف انجام می‌شود، همه کارشان را می‌دانند اما دوباره تأکید می‌کنیم که موتورها، کمپر سورها، کندانسورها و بقیه بخش‌های واحد باید آماده باشد. کمیسر باید آذوقه، سوخت، مهمات، آب و رنگ را برای مدت زمانی بیش از زمان مشخص شده سفر فراهم کند. یعنی مثلا برای یک سفر ۱۰ روزه لازم است اندازه ۲۰-۳۰ روز آذوقه و مهمات داشته‌باشیم، چون دریا غیر قابل پیش‌بینی است». رنگ در دریا به چه کاری می‌آید؟ «برای اتفاقات پیش‌بینی نشده‌ای مثل برخورد به صخره. در چنین شرایطی، رنگ واحد از بین می‌رود و اگر سفر طولانی شود، آن قسمت بر اثر تماس با آب رنگ می‌زند و می‌پوسد. برای همین ما در انبار کشتی، رنگ‌های مخصوص ضد رنگ، ضد جلبک و ضد خوره داریم. البته گاهی ممکن است رنگ‌آمیزی مربوط به آسیب‌دیدگی بالای خط آبخور باشد و قسمت‌های پایین‌تر از آن چون زیر آب است باید در فضای جداگانه‌ای به اسم 'داک' رنگ‌آمیزی شود». و ادامه کار بعد از آن جلسه به چه صورت است؟ «هر سرپرست وارد کابین خودش می‌شود و از نیروهای زیر دست اش می‌خواهد تجهیزات و بخش‌های مختلف را چک کنند و نتیجه را به او بگویند. درنهایت اگر همه‌چیز آماده بود حرکت می‌کنیم و در مسیرهای حفاظتی تعیین‌شده در امریه، کارمان را انجام می‌دهیم. گشت‌زنی، اسکورت، نجات شناورهای دیگر و... بعضی از مأموریت‌های ماست».



#### ■ خطرات و خطرات

از خطرات کارتان خاطر‌های دارید؟ «سال ۷۵ من دانشجوی بودم. با دو واحد رفتم بندر بمبئی هندوستان برای کارورزی. بد نیست بدانید دانشجویان دانشکده افسری نیروی دریایی، هشت ترم واحد درسی پاس می‌کنند، همان واحدهای بقیه دانشگاه‌ها. مثلا من که مهندسی مکانیک خواندم همان واحدهایی را پاس کردم که بقیه دانشجویان هم رشته من در «شریف» و «علم‌وصنعت» می‌خوانند، به علاوه چند واحد دریایی. در دانشگاه فقط تئوری یاد می‌دهند، بنابراین دانشجوی بعد از گذراندن واحدهای درسی و قبل از دانش آموختگی باید به دو سفر خارجی در قالب کارورزی بروند و کنار سرپرست بخشی که قرار است بعدا در آن کار کنند، به‌طور عملی آموزش ببینند. ما در این سفرها به جز استفاده از جنبه آموزش، حامل پیام صلح هستیم و از توانمندی‌های بندر کشور میزبان هم بازدید می‌کنیم. دوره کارورزی معمولا در بهمن و اسفند برگزار می‌شود، کارورزی ما هم در زمستان بود. سفر و آموزشمان که تمام شد، در راه برگشت در مرز آب‌های هند و پاکستان، هوا به‌شکل وحشتناکی خراب شد. ناو شروع کرد به غلتیدن و چپ و راست. ما به اصطلاح به آن می‌گوییم «rolling». از داخل کابین آمدیم روی عرشه دیدیم دریا توفانی شده است، آسمان سیاه، دریا سیاه! هیچ نقطه روشنی وجود نداشت. آن لحظه گفتیم همه چیز تمام شد، الان غرق می‌شویم و دیگر به دانش آموختگی و فکر همه‌چیز را می‌کند، برای همین بود که ما با دو واحد رفته‌بودیم و آن یکی به دادمان رسید. بود، آمد کنار ما و جلوی برخورد موج را گرفت. بالاخره توانستیم در مکان دیگری لنگر بیندازیم و روز بعد راهی ایران شدیم. این اولین باری بود که رفته‌بودم دریا». این سفر در دل شما هول و ولاینداخت که این چه شغلی بود انتخاب کردم؟ نه! فرمانده وقتی به دریا می‌رود فکر همه‌چیز را می‌کند، برای همین بود که ما با دو واحد رفته‌بودیم و آن یکی به دادمان رسید. غیر از این، ما برای مخاطرات شب، نوعی چراغ داریم به اسم «سیلور» که در مواقع لزوم با آن می‌توانیم پیام بدهیم. برای روز هم نوعی پرچم داریم که به آن «پرچم مخابراتی» می‌گوییم. اگر واحد به هر دلیلی دچار مشکل شود مثلا به اسکله برخورد کند، موشک بخورد یا به گل بنشیند، این پرچم‌ها را که هر کدام شکل و رنگ به‌خصوص و مفهوم متفاوتی دارد، روی دکل می‌بریم. به این صورت واحدهای دیگر متوجه می‌شوند که مثلا ما نیاز به سوخت داریم، یا باید پهلوگیری کنیم یا مثلا نباید به ما نزدیک شوند، چون در حال انفجاریم!».

#### ■ ماجرای عملیات مروارید

قبل از این که سوالی بپرسم، ناخدا ترجیح می‌دهد کمی درباره عملیات مروارید توضیح بدهد: «در عملیات مروارید، نیروی دریایی ایران، یک بندر و دو سکوی نفتی مهم عراق، «البکر» و «الامیه» را منهدم کرد. به این ترتیب، رفت‌وآمد کشتی‌های نفتکش و تجاری عراق که در زمان جنگ برایشان نقش اساسی و تعیین‌کننده داشت، ناممکن شد. به‌طور کلی از زمان شروع جنگ تحمیلی، یعنی سی‌ویکم شهریور ۵۹، کلا ۶۷ روز طول کشید که ایران پرونده نیروی دریایی عراق را برای همیشه ببندد و عراق تا پایان جنگ تحمیلی برای ما در دریا عرض اندامی نکند. ناوگان‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس بودند و ما با آن‌ها تا پایان دفاع مقدس نبرد داشتیم اما نیروی دریایی عراق خانه‌نشین شد و دیگر به دریا نیامد. غیر از این در آن زمان، با این‌که ما درگیر جنگ بودیم اما صادرات و وارداتمان از راه دریا انجام می‌شد، ارتش بود که این اتفاق افتاد. به‌طور کلی ۹۴ درصد صادرات و واردات ایران از طریق دریاست و تنها شش درصد از راه‌های هوایی و ریلی انجام می‌شود».

#### ■ نیروی دریایی چه کار می‌کند؟

بعضی‌هایمان از نیروی دریایی همین‌قدر می‌دانیم که در دریا کار می‌کند! ناخدا رامشینی کمک می‌کند اطلاعاتمان را کامل کنیم: «ما امنیت پایدار را برای کشورمان رقم می‌زنیم، صادرات و واردات کشور را اسکورت می‌کنیم، سلاح و تجهیزات جدید می‌سازیم و کشتی‌ها و ناوهای قدیمی را بازسازی می‌کنیم. قبل از جنگ، نیروهای ما برای آموزش به خارج از کشور می‌رفتند، انگلیس، ایتالیا و آمریکا. امروز اما نیروی متخصص ما داخل کشور آموزش می‌بیند. دانشگاه امام‌خمینی (ره) نوشهر، افسر و مرکز آموزش تخصص‌های دریایی رشت، درجه‌دار تربیت می‌کند. همچنین ما از سال ۸۸ به‌دستور فرمانده معظم کل قوا، در خلیج عدن و سواحل یمن حضور دایمی داریم و مراقب و گوش‌به‌زنگ هستیم». نیروی دریایی راهبردی ارتش در استان‌های بدون دریا چه کار می‌کند؟ «از سال ۸۸ مقام معظم رهبری امر کردند نیروی دریایی، غیر از استان‌های شمالی و جنوبی کشور، باید در دیگر استان‌ها هم دفتر نمایندگی داشته‌باشد تا کارهای مربوط به این نیرو را انجام بدهد؛ کارهایی مثل رسیدگی به امور ایثارگران و خانواده‌های محترم شهدا و آزادگان، کارهای مربوط به بازنستگان نیروی دریایی، استخدام نیرو (سال‌های قبل افراد برای استخدام حتما باید به تهران می‌رفتند و الان این کار در استان‌ها انجام می‌شود) و تبلیغات. تبلیغات برای این که نیروی دریایی را به مردم بیشتر بشناسانیم و به مردم بگوییم که ما همیشه حضور داریم».

#### ■ مأموریت‌ممکن!

درباره این مأموریت‌ها بیشتر توضیح می‌دهید؟ مثلا گشت‌زنی دقیقا یعنی چه؟ «ما باید در دریا حضور داشته‌باشیم تا بقیه کشورها متوجه حضور و آمادگی ما باشند. حالا اگر در این گشت‌زنی‌ها مثلا یک کشتی آمریکایی را در حال نزدیک‌شدن به مرز کشورمان ببینیم یا فرکانس رادیویی خاصی اخطار می‌دهیم، 'ناو آمریکایی' شما در حال نزدیک شدن به آب‌های ایران هستید، لطفا فاصله بگیرید»، یا مثلا اگر هواپیمایی را روی آسمان آب‌های کشورمان ببینیم به او اخطار می‌دهیم». و اگر فاصله نگیرد چه اتفاقی می‌افتد؟ «چندین بار اخطار می‌دهیم، بعد با حرکاتی شبیه به محاصره به کشتی مدنظر نزدیک می‌شویم و در نهایت اگر باز هم فاصله نگیرد با کسب اجازه از مقام مافوق و در صورت صلاحدید ایشان و بنا به دستور، تیراندازی می‌کنیم. البته از زمان دفاع مقدس تا الان چنین اتفاقی نیفتاده چون وقتی تیراندازی بشود یعنی اعلام جنگ! به‌طور کلی در آب‌های آزاد، کشتی‌های همه کشورها -تجاری، نفتکش و نظامی- می‌توانند حضور داشته‌باشند اما کشتی‌های نظامی نباید به سواحل کشوری نزدیک شوند. از ساحل یک دریا تا فاصله ۱۲ مایلی، یعنی ۲۴ کیلومتری‌اش آب‌های داخلی آن کشور است و هیچ کشوری حق ورود به این محدوده را ندارد».



#### ■ رویارویی با دزدان دریایی

از همه خطرات بالقوه کارتان گفتید، جز دزد دریایی! تا حالا با دزد دریایی برخورد داشته‌اید؟ «حتما می‌دانید سال‌های گذشته چیزی به اسم دزدی دریایی زیاد بود. اخبار مرتب اعلام می‌کرد دزدان دریایی در خلیج عدن فلان کشتی را ربودند ولی الان خیلی کم می‌شویم چون ما هستیم، دیگر خبری از آن‌ها نیست. ببینید ما الان در زمان صلح هستیم و می‌رویم که برگردیم ولی به‌هر حال باز هم ممکن است درگیری‌هایی پیش بیاید یا با دزدان دریایی برخورد کنیم. برای همین ما هربار با حد اکثر توان -از لحاظ تسلیحات، تجهیزات و لجستیک- به دریا می‌رویم، چون فرض می‌کنیم حالا حالاها بر نمی‌گردیم. همان‌طور که گفتم ما در خلیج عدن گشت‌زنی می‌کنیم تا نفت کش‌ها و کشتی‌های تجاری ما که می‌خواهند از مبدأ خلیج فارس و از مسیر باب‌المندب و دریای سرخ به مدیترانه و کانال سوئز و اروپا بروند، با دزد دریایی درگیر و ربوده نشوند. در این مسیر، کشورهایی که از لحاظ مالی در مضیقه هستند، یعنی سومالی و سودان و جیبوتی، آماده‌اند تا به کشتی‌ها حمله کنند. از آن‌ها پول می‌گیرند یا بارشان را خالی می‌کنند. قایق‌های معمولی و تجهیزات ساده‌ای هم دارند اما می‌توانند کشتی‌ها را تسخیر کنند. ما مراقب هستیم که این اتفاق نیفتد. البته مهم است بدانید ما فقط از خودمان محافظت نمی‌کنیم بلکه از هر کشتی با هر ملیتی دفاع می‌کنیم. تا حالا کشتی‌های کشورهای بسیاری مثل چین، استرالیا، اندونزی و مالزی را که در مسیر دریای سرخ و مدیترانه، با دزدان دریایی مواجه شده‌اند، نجات داده‌ایم».



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

سه شنبه ۷ آذر ۱۳۹۶

۹ ربیع الاول ۱۴۳۹ • ۲۸ نوامبر ۲۰۱۷

۹۱۶